

## سیزده به در

نوشته‌ی آزاد کریمی



روز سیزدهم (پاکیوه، پویجا، جاییاو، پیجه) ماه چهارم (کامهران) از تقویم ماردوخی (میتراپی) که امروز باشد به عنوان سیزده به در نامیده شده است.

"سیزده به در" یک سنت دینی سالانه است که از دیرباز در مزوپوتامیا و فلات زاگروس و ایضا البرز به جای آورده شده است. در این روز مردم اگر هوا خوب باشد یا قابل تحمل باشد به بیرون از شهر می روند و در طبیعت به تفریح و رقص و شادی می پردازند. در این روز دلمه از برگ درخت انگور (مو) درست می کنند و با خود به صحرا می برند.

اما درباره‌ی پاوه و کامهران باید بگویم پاوه به معنای پله‌ی نردبان است و نماد پیوند میان دو پایه‌ی نردبان است. پاوه رابط دو نرده است و عدد آن آنو است یعنی هشت.

آنو نماد جا یا مکان است و پای جا به معنای پای آنو است و آن بر خط افق که بر دست قدرت خدا قرار دارد ایستاده است. پایجا یا پای آنو تجلی مادی نشیوه (محل نشستن، قاعده) ی هوشسته‌تره یا خوشه انگور می باشد که همان ذره ی آفرینش است .

این ذره به شکل یک مثلث یا هرم چهار سطح نمایش داده می شود که داخل آن سه کره وجود دارد.

این گوی ها عبارتند از انکی-اوتو در افق و ماردوخ در عمود بر میانه ی انکی-اوتو.

انکی حاکم زادون(زحل)، اوتو حاکم(وهر/خورشید)، ماردوخ حاکم مشتری(وهرمهزد) است.

انکی در ازل، اوتو در ابد و ماردوخ در اندووه(هنگوه، لانهزنیور) قرار دارد. آنجا جاودانگی است.

انرژی‌هایی در این مثلث قرار دارد که رابطه ی سیارات و ستارگان مربوط به آنو و فرزندان او یعنی ایزدان آنوماکی را تنظیم می کنند. این سه انرژی در دستان کوماری حاکم اورانوس(انرژی حرکتی)، پدرش آلوس یا لولان(انرژی جانب مرکز) و تهشوب یا(مغناطیس، جاذبه و دافعه) قرار دارد.

این سه ایزد را ایزدان کهوری یا سنگی می گویند. این سه ایزد نگهبانان همزادان هستند. همزادان نیروهای مزدوج و دوگانه هستند که توازن را در هستی اداره می کنند.

سایر ایزدان منسوب به آنو را آنوماکی می گویند. ماک در زبان کردی یعنی ماده. آنها نگهبانان پدیده‌هایی هستند که برابری توازن و تعادل همزادان هستند و جلوه‌ی مادی-معنوی می یابند.

ببینید! تنها من و خدای خالق و ایزدان آنوماکی و گاوری می دانیم این سخنان به معنای چیست، بنابراین صبر کنید تا وقتش برسد ... به موقعش اینها را برایتان شرح خواهم داد.

هنگاه یا ههنگ در زبان کردی به معنای چسبندگی قند است .

در زبان ماد باستان به شکر می گفتند که‌ندو زیرا شیرینی از عسل می آمد و عسل در کندو قرار داشت. کندو همان نهدووه است است که در بالا گفتم. بنابراین نردبان که از دو نرده و پایه تشکیل می شود به معنای همزاد است.

همزاد یعنی انرژی و کیفیت دوگانه ی جاذبه و دافعه‌ی آن و در میانه ی این دوگانگی یا دوقطبی بودن است که خلقت آغاز می شود .

پیشتر گفتم همزاد یا همسا یا همسایه در زبان سانسکریت امشاسپند نامیده می شود.

اوستای سانسکریت ترجمه‌ای از متن پالهای یا پهلوی یا فعیلی است.

همزاد سبب ایجاد انرژی گردش، گرانشی و قطبیت می شود. پس بنابر تعریف نردبان که گفتم یک نردهی نردبان انرژی گردش و یک نردهی دیگر انرژی قطبیت و پایجای آن نماد انرژی گرانشی یا ایستایی است .

در این ایستایی است که هستی ایجاد می شود. و این هستی که انرژی مطلق است باید جلوه یا شکل مادی بگیرد پس ایزد آنو که سایه ی زره و جلوه ی خدا بود و رنگ شین(آبی آسمانی، نیلی) داشت پدیدار شد. شین رنگ هشت "پای جا" بود که در میانه ی همزادان یا نردههای نردبان قرار داشتند و نه خانهی سفید را تشکیل می دادند. نه به معنای پهنا یا عرض است و به معنای خط الی خاص یا الیاس است. الیاس جلوهی دست قدرت خداوند است و به شکل صفحه ی شترنج نمایش داده می شود.

طول آن ده خانهی سیاه است. همانطور که گفتم رنگ آنو شین یا آبی بود و او نماد جاپا در نردبان همزادان است و "پایجانو" که یک رمز است ما اکنون به عنوان گنبد آسمان از آن استفاده می کنیم. این گنبد " پنجهپا" است.

گنبد بر هستی قرار گرفت و هشت عدد ارتفاع گاودان تا ماردوخ شد. در پایهی هشت که جاودانگی بود اولین زرهی جاندار ایجاد شد. آن روح یا "رووه" بود. نماد رووه که حرکت و پویایی داشت یک مار بود. رووه مبداء رویش است.

رووه مبنای تجلی روح در هستی شد. رووه در جاودانگی که نماد هنگوه یا چسبندگی است و در میانه ی همزادان قرار دارد شروع به جنبیدن کرد.

این رویداد در سیزدهم ماه چهارم یعنی امروز روی داد. رووه روح گیاهان و نباتات است. رووه بنمایه ی خار خار یا گیاه خوزا(خاس) یا طبیعت است.

کامران به معنای قوچ پیشاهنگ گله است. کامران ماه چهارم تقویم ماردوخی است و در هفته ی چهارم برج نرگال برگشته، پای اسپندر که دود آتش در هوا است پیدا می شود. روز سیزدهم کامران، آتش در آب و انلیل برگشته (تیر در چله ی کمان به عقب می رود) اما انکی ایزد نگهبان جان آفرین پای بر جاودانگی (حوض هشتدر، گنبد، پای آنوجا، پاینکا، پاینچو) در خاک زامیاد (تموز) می گذارد در نردهی سوم جاودانگی. آنجا هنگوه یا هنگاه یا گام است و در آنجا است که رووه شروع به حرکت می کند. اما کدام پای انکی؟... پای چپ زیرا مستقیماً به قلب او ارتباط دارد. آنجا ریشهی دل است.

در زیر پای انکی گاو قربانی چمبره زده است. او لقب گاو گردون دارد که در زبان کردی به معنای قربانی کردن است. گردون یا اژدهای آتشین ارا به ی انلیل است. این اژدها نماد آتش در آب (بیر، تیگران، تیر) است و منشاء گیاهی دارد (زیندوگ، صندوق، صندوق عهد، پایه‌ی خارخار). خارخار نماد همزادان یا نردبان انرژی های سه گانه ی آفرینش است که در اورانوس، نپتون و پلوتو متجلی است.

وقتی آتش در آب باشد آب می جوشد و قل می زند، این قل زدن‌ها ایجاد حباب یا موج می کند. بلندی این موجها که در موازات خط الی خاس یا افق است پاله‌سمر یا سرپله است به معنای سر موج. تیر همان خطهای سپاه هشت گانه ی آنو است که نرده‌های نردبان را به هم وصل می کند.

بنابراین "رووه" در میانه ی دو همزادان و در ههنگاوه یا جای پای انکی که گاودان یا حوض آنو و جایی که مشتری بر آن ناظر است در میانی ازل و ابد یعنی جاودانگی در مثلث زحل، ژوپیتیر، خورشید و ژوپیتیر به ستاره‌ی قطبی شکل می گیرد .

این رویداد در سرزمین مادای (شمزینان) قرار دارد و در برج پارسه (بهرازان) اتفاق می افتد.

مادای و پارسه همانطور که گفتم پسران ایزد انلیل فرمانروای سیاره‌ی گازی تیر یا عطارد هستند. انلیل فرزند آنو، برادر انکی و عموی ماردوخ است. او برادر خهتان یا آناهیتا است.

انلیل یک ایزد بسیار بزرگ است. در فرهنگ دینی یهودیان قرون متاخر به عزرائیل مشهور است. او کمان در دست دارد و فرشته‌ی گرفتن جان است. بر خلاف انکی برادرش، که جان می بخشد.

وقتی انلیل برگشته می شود پس مرگ نیز دور می شود و از این رو است که ایزد انکی به رووه زندگی می بخشد. این اتفاق در امروز اتفاق افتاده است. کی؟ همان لحظه ای که آفرینش شکل گرفت... خدا می داند کی و چه وقت!

بخشش جان به رووه به ههنگاوه یا "مقدم، تشریف فرمایی" ایزد انکی بر جای پای آنو تعبیر شده است. از این رو آن نقطه که در زیر پای انکی قرار دارد یک خاک مقدس است که خاصیت زندگی بخشی دارد.

در زیر پای انکی که بر "جای پای آنو" قرار دارد همانطور که گفتم گاو قربانی نشسته است. انکی به فرزندش ماردوخ که در حوض جاودان افتاده است دستور می دهد این گاو را بکشد. از کشتن این گاو

خون او که جاری است گندم و جو و تاک یا درخت انگور می روید. از گندم نان و از انگور شراب و از جو "بهرجو" یا (جویبار، جوهره، جهومر، جهوبهر، بهرجهوه، ئاوجو) درست می شود. نان نماد جسم و جویبار، نماد زن و شراب نماد روح است. روه تجلی مادی روح زندگی در نان و بهرجو و مهی است. نان نماد تن است، بهرجو یا آجو نماد رشد و تکثیر و مهی نماد تزکیه ی روح است. کارکرد نان در مرد و بهرجو در زنا و زن و مهی در روان متجلی می شود.

سیزده بدر برابر است با مراسم آکیتو که اول اپریل هر سال در سومر و آشور و آگاد و بابل برگزار می شد. به مناسبت این اعیاد دینی از روز اول نوروز که روز ماردوخ یا ژوپیتراست تمثالهای دینی به معبد آکیتو در بیرون دیوارهای شهر برده می شدند و تا سیزده روز کاهنان به آکیتو می رفتند و دعا و عبادت می کردند. در روز سیزدهم این تمثالها به معبد ماردوخ برگردانده می شدند و کشاورزان در این روز جو می کاشتند.

بنابراین امروز روز کاشت جو است. جو نماد همزادان است. همانطور که گفتم امروز روز ههنگاوه یا شیرینی موم عسل است که شش ضلعی است و نماد چسبندگی و همبستگی نردهای نردبان همزادان است.

اگر یادتان باشد گفتم که سریر شش ضلعی ماردوخ در امتداد و میانه ی حوض هشت ضلعی آنو است و در زیر آن گاو قربانی نشسته است. آنجا گادهر (دهرگا، خات دهر، گاومر، خاومر، پیش گاه، گاپیش، کاویش، آخور) است. آنجا خاومهران یا خوروبهران است، مکان شهر مقدس، شرق مقدس. خوروبهر یا وروهر به معنای برابر، مقابل، رو به خورشید است.

این گاو سفید پایهی گادووه یا اگیدو یا آکیتو است که دوگاو پشت به پشت به هم چسبیده هستند و نماد همزادان هستند. بنابراین آکیتو یا حوض گاودان در میانه ی این دو گاو قرار دارد و آنجا جاودانگی و محل تعادل و محل رویش "روه" است. به همین دلیل جو که قدرت رویشی سریعتری دارد نماد قدرت روه است و جو نماد زنانگی و آلت تناسلی زنانه است. به همین دلیل سمبل باروری و زایش است. جو گیاه خهتان (آناهیتا) است و گندم گیاه زامیاد (دوموزید) و مو گیاه نرگال.

در مراسم عروسی خهتان و زامیاد، ماردوخ به عنوان شاهد و ساقدوش زامیاد عمل می کند و به او "برازاوا" می گویند. او برادر داماد نیست اما به عنوان برادر داماد معرفی می شود. برازاوا کسی

عزیز است که از سوی داماد به خانه ی عروس می رود تا دست عروس را بگیرد و به بیرون از خانه ی عروس بیاورد و در جلوی در خانه ی پدر عروس در دست داماد بگذارد.

در سنت کردی ورود داماد به خانه ی عروس ممنوع بود و نشانه ی بی احترامی به پدر و برادر عروس شمرده می شد .

در مراسم آکیتو یا سیزدهبدر ما معبد(تکیه، آکیتو ،نماد داماد) را در خارج از شهر می بینیم و در روز سیزدهم است که همگی به بیرون شهر می روند و کشاورزان جو می کارند به علامت زفاف دوموزید و خهتان. سپس تمثالهای معبد ماردوخ(ئاوهدان) را که در داخل شهر است از معبد آکیتو که معبد تموز است به داخل شهر بر می گردانند. زیرا ماردوخ امانت زامیاد را که عروس است به او سپرده است. تمام اینها را نوشتم تا بدانید که چرا سیزدهبدر روز عزیزی است.

سیزده بهدر بر همه مبارک باد!